

نقش خانواده مسیحی در تربیت فرزندان

شما نیز زنهای خود را دوست بدارید" (رساله به افسسیان باب ۵ آیه ۲۵).

از آیات فوق بدین نتیجه می‌رسیم که منزلت ازدواج و خانواده از دیدگاه ما مسیحیان بسیار بالا و مقدس می‌باشد چون طبق اراده و نقشه خدا است و به همین دلیل است که کلیسای کاتولیک طلاق را مجاز نمی‌داند چون "آنچه را خدا بهم پیوسته است، انسان نباید جدا سازد" (انجیل مرقس باب ۱۰ آیه ۹).

یکی از مهمترین اهداف ازدواج داشتن فرزندان و استمرار نسل می‌باشد، بنابراین می‌شود گفت که فرزندان زیباترین و ارزشمندترین عطیه خدا برای والدین می‌باشد و آنها در حفظ و نگهداشتن این عطیه باید کوشا بوده و هرگز از مسئولیت خطیر خود را نسبت به تربیت و پرورش بچه‌هایشان غافل نمانند. والدین مسیحی باید سعی کنند تا از نخستین سالهای زندگی، قلب پاک فرزندان را جهت شناخت عیسی و دوست بودن با او باز نمایند. باید بدانیم که هر چه در قلب این عزیزان بکاریم رشد خواهد کرد و میوه خواهد داد، در ضمن بیاد آوریم که خداوندان عیسی مسیح نسبت به خردسالان و کودکان یک محبت ویژه ای را دارد به همین دلیل به شاگردان فرمود: "بگذارید بچه‌ها پیش من بیایند، مانع آنها نشوید چون پادشاهی خدا به چنین کسانی تعلق دارد. یقین بدانید که اگر کسی پادشاهی خدا را مانند کودک نپذیرد

دوستان گرامی: می‌خواهم توسط این مقاله درباره «خانواده» و نقش آن در ایجاد یک جامعه سالم و مرفه با شما صحبت کنم. شکی نیست که خانواده یکی از مهمترین ارکان جامعه مدنی و کلیسایی می‌باشد. به همین دلیل باید پیوسته جهت ارتقاء و حمایت از آن کوشش بعمل آورد. طبق تعلیم کتاب مقدس خدا است که انسان را زن و مرد آفرید تا با هم بپیوندند و خانواده را تشکیل دهند. "پس خدا انسان را شبیه خود آفرید. ایشان را زن و مرد آفرید. آنها را برکت داد و گفت: بارور و کثیر شوید، نسل شما در تمام زمین زندگی کند و آن را تحت تسلط خود در آورد. من شما را بر ماهیان و پرندگان و تمام حیوانات وحشی می‌گمارم" (کتاب پیدایش باب ۱ آیه ۲۷-۲۸).

همچنین طبق انجیل مقدس، خداوندان عیسی مسیح اولین معجزه خود را در عروسی قانای جلیل انجام داد و از این طریق خواست ارزش و احترامی که برای ازدواج و خانواده قائل است ابراز کند. (رجوع شود به انجیل یوحنا باب ۲).

پولس رسول نیز پیوند زناشوئی مظهر اتحاد عیسی و کلیسا میداند و زوجین را دعوت می‌نماید تا از مسیح داماد و کلیسا عروس الگو بگیرند. "ای شوهرها، چنانکه مسیح کلیسا را دوست داشت و جان خود را برای آن داد،

هیچ وقت وارد آن نخواهد شد. سپس عیسی کودکان را در آغوش گرفت و دست بر آنان گذاشت ، برای ایشان دعای خیر کرد" (انجیل متی باب ۱۰ آیه ۱۴-۱۶).

والدین گرمی : با دریافتن فیض راز ازدواج مقدس به یک سلول کلیسایی مبدل شده اید ، یعنی کانون خانواده شما را به یک کلیسای کوچک میشود تشبیه کرد. چنانکه کلیسا جای دعا و نماز و ملاقات با خداوندان عیسی مسیح است ، همچنین اعضای خانواده مسیحی برای تقویت پیوند محبت و اتحاد بین ایشان باید از دعا و تعمق در کلام خدا بهره بگیرند. عیسی فرمودند: "جائیکه دو یا سه نفر به نام من جمع شده اند من در میان آنها هستم" (انجیل متی باب ۱۸ آیه ۲۰).

حضور عیسی در خانواده مسیحی منشأ آرامش و صلح و شادی است ، اوست که علیرغم سختیها و مشکلات که ناشی از برخی شرایط زندگی خانواده را از انحرافات گوناگون همانند طلاق و تعدد زوجات و لذت جویی و ارضای شهوات جسمانی و جلوگیری از حاملگی و سقط جنین را نگه میدارد. متأسفانه فرهنگ مادی گرا و خالی از هرگونه ارزشهای معنوی و اخلاقی که در بسیاری از کشورهای جهان حاکم می باشد خطرناکترین تهدیدی است برای ثبات و استقرار خانواده . چنین فرهنگ به نام آزادیهای بی قید و بند باعث گردید تا تعداد زیادی از کودکان و نوجوانان از کانون گرم و پر از مهر و محبت خانواده محروم شده و به راههای انحرافی و گمراه کننده را کشیده گردند و به یک معضل اجتماعی مبدل شوند. خانواده مقدس که اعضای آن عیسی مسیح ، مریم و یوسف می باشند کاملترین الگو برای هر خانواده مسیحی است . ویژگی اصلی خانواده مقدس همان محبت است که منشأش خدا می باشد. بنابراین خانواده مسیحی باید روز به روز راه محبت را بییماید تا اینکه اتحاد خود را حفظ نماید و فرزندی مسئولیت پذیر و با ایمان و فضیلت به

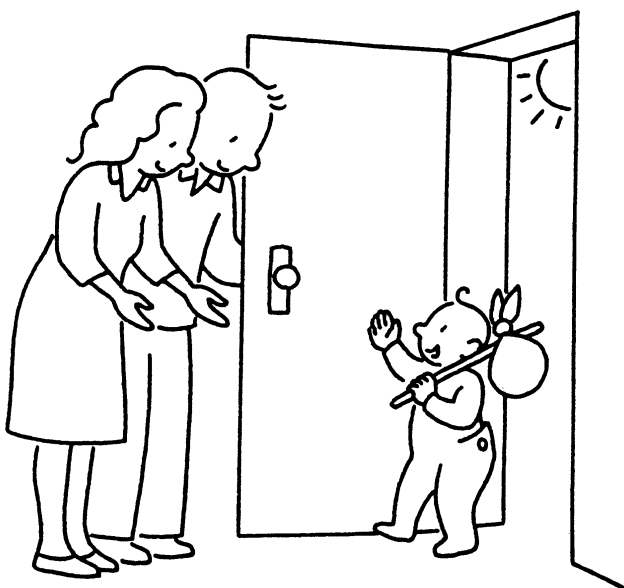
کلیسا و جامعه را تقدیم کند. پولس رسول در تجلیل از خانواده و ابراز منزلت والای آن می گوید: "بنابراین من در برابر پدری زانو می زنم که هر خانواده در آسمان و زمین نام خود را از او گرفته است و دعا می کنم که از گنجهای جلال خود به شما ببخشد تا بوسیله روح او در درون خود قوی و نیرومند شوید و خدا عطا فرماید که مسیح از راه ایمان شما در قلبهایتان ساکن شود و دعا می کنم که شما در محبت ریشه دوانیده و بر پایه محبت بنا شوید" (رساله به افسسیان باب ۳ آیه ۱۴-۱۷).

در این سال رحمت از پدر آسمانی ما بخواهیم تا رحمت بیکران او شامل حال همه خانواده ها بوده و از هر گزند و زیان در امان بمانند ، خدای ما رحیم و رحمت او تا ابد الابد است .

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران



قبل از حرکت به یک سفر طولانی ...

آموخت که تنها با تسلیم نشدن می‌توان به شکوفایی شخصیت و برآوردن آرزوها رسید.

قبل از اینکه تصمیم به صادق نبودن بگیری یادت باشه که فقط خودت به خودت خیانت می‌کنی؛ یک خصیصه مهمی که باید در توبرهات داشته باشی، صداقت است. صداقت باید مشخصه و اساس رابطه ما با دیگران باشد. صادق نبودن عیبی است که نهایتاً خار آن به چشم خودمان فرو می‌رود. چون دیر یا زود حقیقت خود را نشان خواهد داد! امروز براستی نیازمند صفا و شفافیت در روابط اجتماعمان هستیم، اجتماعی که معمولاً ما را به تظاهر و ترس وا میدارد. صادق بودن یعنی پس زدن نقابهایی که خودمان را پشت آنها پنهان می‌کنیم. صادق بودن یعنی پس زدن بی‌اعتمادی و پیش قضاوتهایی که نسبت به دیگران داریم. چون آنها را به چشم یک دشمن می‌بینیم و نه یک هدیه از سوی خدا.

قبل از اینکه مخالفتت را نشان دهی سعی کن بیشتر گوش بدهی؛ خصیصه مهم دیگر گوش دادن است. گاهی اوقات نسبت به موضعی که گرفته‌ایم، بشدت بر نظمان پافشاری می‌کنیم، بدون آنکه به دیگری اجازه و مهلت ابراز افکار و عقایدش را بدهیم. همیشه افراد را بر حسب گذشته‌یشان، طبقه اجتماعی و یا اعتقاداتشان کلاسه‌بندی می‌کنیم و مطمئن هستیم که خوب می‌شناسمشان!!! حتی عیسی مسیح خود را قربانی این پیش قضاوتی می‌دید: «آیا این پسر نجار نمی‌باشد و آیا مادرش مریم نامی نیست و برادرانش یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا... پس این همه را از کجا بهم رسانید. و درباره او لغزش خوردند. عیسی بدیشان گفت نبی بی‌حرمت نباشد مگر در وطن و خانه خویش. و به سبب بی‌ایمانی ایشان معجزه بسیار در آنجا ظاهر نساخت.» (متی ۱۳: ۵۳ - ۵۸).

به این ترتیب یک گفتگو می‌تواند تبدیل به یک خودگویی و خودشنوایی گردد. حالتی که در آن انسان فقط جبهه‌گیری دارد و حمله می‌کند و پس می‌زند. اگر بجای پیش قضاوتی و دشمنی یاد بگیریم که بیشتر گوش دهیم، دیدگاه ما هم با

قبل از حرکت به یک سفر طولانی

قبل از حرکت به یک سفر طولانی باید میل به برنگشتن را با خود داشته باشی.

قبل از اینکه تصمیم به صادق نبودن بگیری یادت باشه که فقط خودت به خودت خیانت می‌کنی

قبل از اینکه مخالفتت را نشان دهی سعی کن بیشتر گوش بدهی

قبل از اینکه بخواهی تنهاییات را پر کنی سعی کن ببینی که آیا خودت با خودت راحتی.

قبل از اینکه چیزی برداری سعی کن ببینی که خودت چه می‌دهی

آسان نیست ولی اصل همه چیز همین جاست

قبل از حرکت به یک سفر طولانی با خود میل به انطباق یافتن بپر.



قبل از حرکت به یک سفر طولانی؛ یک سفر طولانی ممکن است کنایه از راه زندگی هر یک از ما باشد، که به مثابه یک سفر طولانی است. باید خوب مجهز بود. یعنی برای اینکه بتوانیم خوب زندگی کنیم باید از خصایصی درونی برخوردار شد تا زندگیمان تباه نشود.

قبل از حرکت به یک سفر طولانی باید میل به برنگشتن را با خود داشته باشی؛ گاهی بر جاده زندگی

وسوسه بازگشت به عقب داریم. این می‌تواند به دلایل مختلف رخ دهد. تردید از اینکه همه چیز را اشتباه کرده باشیم؛ یا ترس از انتخاب در مراحل مهم زندگی؛ یا بی‌مسئولیتی و سطحی زندگی کردن...

کسی که به عقب بر می‌گردد شخصی است که از حقیقت فرار می‌کند و جرأت روبرو شدن با فراز و نشیبهای زندگی را ندارد... او نمی‌داند که مشکلات در زندگی فرصتی برای به جلو رفتن هستند. اگر می‌خواهی در زندگی پیشرفت کنی باید یاد بگیری که با شهامت و اطمینان جلو بروی و زندگی به تو خواهد

تجربه دیگران غنی‌تر می‌گردد و با هم می‌توانیم به حقیقت برسیم.

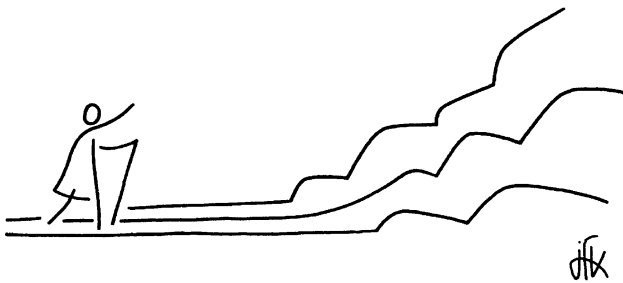
قبل از اینکه بخواهی تنهاییات را پر کنی سعی کن ببینی که آیا خودت با خودت راحتی؛ بدترین تنهایی که می‌توانیم تجربه کنیم تنهایی درون است. تنهایی درون یعنی با خود راحت نبودن و با خود همیشه معذب بودن. بیشتر مسائل هر یک از ما حاصل قبول نداشتن خودمان است: گذشته‌یمان، ضعفها، محدودیت‌مان، جسم‌مان... بنابراین دائم با خود سر جنگ داریم و فرار از آن وقت‌مان را با دیگران پر می‌کنیم. غافل از اینکه برای راحت بودن با دیگران باید اول با خویشتن راحت باشیم. با زندگی آشتی کنیم و ضعفهایمان را بپذیریم و در کنار آن از خصایص زیبا و غنای وجودمان مطلع گردیم. از خودمان مواظبت کنیم و از درون زندگی کنیم، یعنی برای خودمان وقت داشته باشیم. فقط به این نحو بودن با دیگران برای ما کمکی برای رشد و شکوفایی شخصیت خواهد بود.

قبل از اینکه چیزی برداری سعی کن ببینی که خودت چه می‌دهی؛ همه به زندگی بدهکاریم. اما از طفولیت گرفتن را می‌آموزیم، حتی عادت می‌کنیم که بقاییم. اما بالاخره زمانی می‌رسد که باید از خودمان بدهیم. چون نمی‌توانیم در زندگی به انگل بودن ادامه دهیم. جهان هزاره سوم نیاز به ابتکار و شادی، نیروی جسمانی و ذهنی و روحانی ما دارد تا پیشرفت نماید و این پیشرفت برای سعادت همگان باشد. ما نسبت به هم بدهکاریم! یعنی باید از "گرفتن" به "دادن" رسید. تجربه آموخته است که در زمان دادن بیشتر یافته‌ایم. هر عمل نیکویی که انجام دهیم بنحوی به نفع خودمان بر می‌گردد، حتی اگر در ظاهر عکس آن باشد.

آسان نیست ولی اصل همه چیز همین جاست؛ اینطور زندگی کردن آسان نیست، اما امکان‌پذیر است. کافی است که این اطمینان را داشته باشیم. شهادت به جلو نگرستن، صداقت داشتن، گوش دادن (به خود، به دیگران، به خدا)، مراقبت از خود و بالاخره از خود دادن، همه اینها خصایصی هستند که نمی‌توان نادیده گرفت. در یافتن اینها و نهادشان در توبره شک نکنید! چون ما را در این سفر طولانی و دراز زندگی همراهی خواهند کرد تا زندگیمان به بطالت نگذرد. اگر دوست داری بیشتر فکر کنی:

زندگی را چطور می‌بینی؟ یک سفر اجباری، یک بار سنگین، یک کسالت، فرصتی برای شکفتن و پیشرفت کردن، تحقق یک نقشه، زمانی برای کشف دائم. در مقابل مشکلات چه رفتاری داری: ترس، تسلیم، جرأت، اطمینان، فرار...

صداقت چقدر برای تو مهم است: آیا می‌توانی بدون پیش قضاوتی به دیگران گوش دهی؟ آیا نسبت به خودت یک تصویر درست داری؟ آیا آنطور که هستی خودت را قبول داری؟ آیا همیشه توقع دریافت داری یا می‌توانی چیزی هم از خودت بدهی؟



شکیبایی و صبر بهره فراوان دارد و عدم آن مانع رسیدن به قدرت و تمرکز حواس و پیروزی است.

اگر انسان قدرت پیروز شدن بر نفس خویش را داشته باشد قدرت انجام کارهای بزرگ را نیز دارد.

عمل هر فردی نمایانگر اندیشه اوست ،

خوش بینی و ایمان داشتن به هدف ما را به موفقیت راهنمایی می کند. (استاد لی)

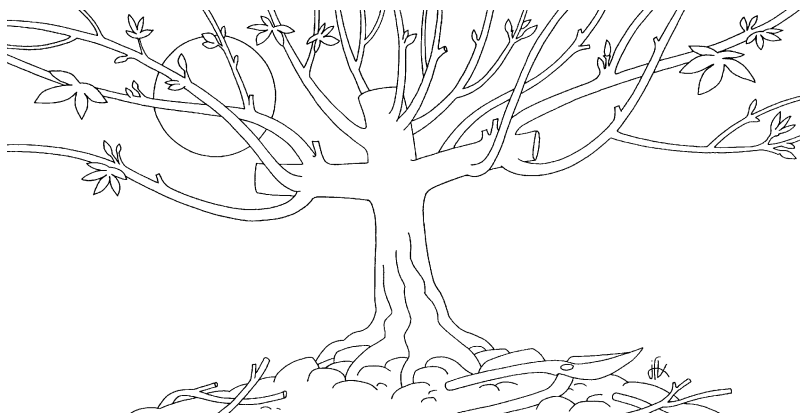
درخت گلابی

مردی چهار پسر داشت. آنها را به ترتیب به سراغ درخت گلابی ای فرستاد که در فاصله ای دور از خانه شان رویده بود:

پسر اول در زمستان ، دومی در بهار ، سومی در تابستان ، و پسر چهارم در پاییز به کنار درخت رفتند. سپس پدر همه را فراخواند و از آنها خواست که بر اساس آنچه دیده بودند درخت را توصیف کنند.

پسر اول گفت: درخت زشتی بود ، خمیده و در هم پیچیده.

پسر دوم گفت: نه ... درختی پوشیده از جوانه بود و پر از امید شکفتن.



پسر سوم گفت: نه ... درختی بود

سرشار از شکوفه های زیبا و

عطر آگین ... و با شکوهترین

صحنه ای بود که تا به امروز

دیده ام.

پسر چهارم گفت: نه !!! درخت

بالغی بود پر بار از میوه ها ... پر از

زندگی و زایش!

مرد لبخندی زد و گفت: همه شما درست گفتید ، اما هر یک از شما فقط یک فصل از زندگی درخت را دیده اید! شما نمی توانید درباره یک درخت یا یک انسان بر اساس یک فصل قضاوت کنید: همه حاصل آنچه هستند و لذت ، شوق و عشقی که از زندگیشان برمی آید فقط در انتها نمایان می شود ، وقتی همه فصلها آمده و رفته باشند!

اگر در "زمستان" تسلیم شوید ، امید شکوفایی "بهار" ، زیبایی "تابستان" و باروری "پاییز" را از کف داده اید!

مبادا بگذاری درد و رنج یک فصل ، زیبایی و شادی تمام فصلهای دیگر را نابود کند!

زندگی را فقط با فصلهای دشوارش نبین؛

در راههای سخت پایداری کن: لحظه های بهتر بالاخره از راه می رسند!

همیشه همینطوری نمیمونه که.

« چرا پر گاهی را که در چشم برادرت هست می بینی

ولی در فکر چوب بزرگی

که در چشم خود داری نیستی؟ » (انجیل متی ۷: ۳)

پس برای اینکه خدا ما را ببخشد، باید اول با اطرافیانمان در دوستی و آشتی باشیم.

چطور می توانیم به برقراری صلح و آشتی کمک کنیم؟

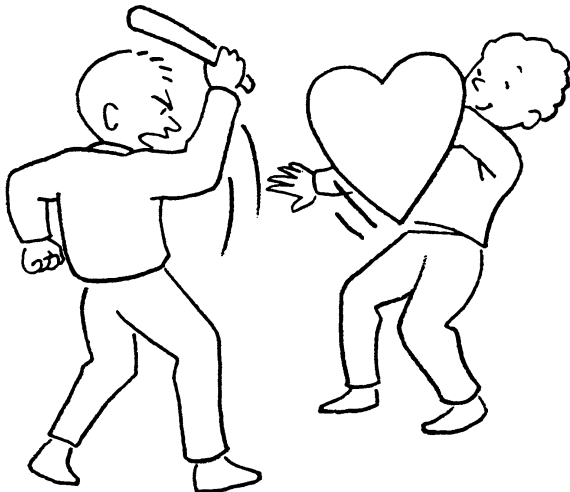
وقتی بجای انتقاد کردن و بد گفتن، سعی می کنیم عادات و اخلاق زیبای یکدیگر را کشف کنیم...

وقتی دنبال دعوا کردن نیستیم و سعی می کنیم تا از یک بزرگتر برای حل و رفع سوء تفاهم کمک بگیریم...

وقتی راضی نیستیم کوچکترین بی عدالتی بشود حتی اگر به نفع ما باشد...

وقتی بجای داد و بیداد کردن، راضی می شویم با شخصی که طرز فکرش با ما فرق می کند، صحبت کنیم و به حرفهای او هم گوش دهیم.

وقتی با دیگران آنطور رفتار می کنیم که می خواهیم دیگران با ما رفتار کنند.



وقتی واقعاً بد هستیم، عیسی با این کلمات با ما صحبت می کند. بعضی وقتها از دیگران انتظار کارهایی داریم که خودمان حاضر نیستیم انجام دهیم. در زمان عیسی عده ای که فریسی نامیده می شدند از مردم دیگر شدیداً انتقاد می کردند چون مثل خودشان دینداری نمی کردند. عیسی به ایشان می گوید که چه فایده دارد به دعا بنشینید ولی نسبت به دیگران بی توجهی کنید.

وقتی عیسی عیب کسی را مطرح می کند برای این نیست که او را ناراحت کند. عیسی اینکار را می کند برای اینکه هر کدام از ما با توجه به طرز رفتارشان نسبت به دیگران، بتواند راه بهتر زندگی کردن با اطرافیانمان را پیدا کند. عیسی آنچه را خواست و گفت، اول خودش انجام داد.

خیلی آسان است که دیگران را راضی کنیم تا اشتباهاتشان را ببینند حتی بپذیرند. و این کار باید فقط برای کمک کردن باشد. بنابراین باید قبول کنیم که برای کمک به شخص ما هم، دیگران عیب ما را بگویند و ما هم بپذیریم.

اما قبل از آنکه در انتقاد از دیگران عجله کنیم، بهتر است گاهی از خودمان سؤال کنیم: چطور می توانم ایرادات خودم را روشن تر ببینم؟ عیسی به ما آموخت که هر کس دعا می کند باید فروتنی بیشتری نشان دهد و با محبت بیشتری به اطرافیانمان نگاه کند زیرا هر یک از ما گناه داریم و نیاز به بخشش خدا داریم.

جواز بهشت

روزی مردی خواب دید که مرده و پس از گذشتن از پلی به دروازه بهشت رسیده است. دربان بهشت به مرد گفت: برای ورود به بهشت باید صد امتیاز داشته باشید ، کارهای خوبی را که در دنیا انجام داده اید ، بگویید تا من به شما امتیاز بدهم.

مرد گفت: من با همسرم ازدواج کردم ، ۵۰ سال با او به مهربانی رفتار کردم و هرگز به او خیانت نکردم.

فرشته گفت: این سه امتیاز.

مرد اضافه کرد: من در تمام طول عمرم به خداوند اعتقاد داشتم و حتی دیگران را هم به راه راست هدایت می کردم.

فرشته گفت: این هم یک امتیاز.

مرد باز ادامه داد: در شهر نوانخانه ای ساختم و کودکان بی خانمان را آنجا جمع کردم و به آنها کمک کردم.

فرشته گفت: این هم دو امتیاز.

مرد در حالی که گریه می کرد ، گفت: با این وضع من هرگز نمی توانم داخل بهشت شوم مگر اینکه خداوند لطفش را شامل حال من کند.

فرشته لبخندی زد و گفت: بله ، تنها راه ورود بشر به بهشت موهبت الهی است و اکنون این لطف شامل حال شما شد و اجازه ورود به بهشت برایتان صادر شد!

از گفته های مادر ترزا

مردم اغلب غیر معقول و غیر منطقی و خود محور هستند.

با این همه تو ببخش

اگر مهربانی کنی ممکن است تو را متهم به خودخواهی و خودپرستی کنند.

با این همه مهربانی کن

اگر موفق شوی عده ای دوستان دروغین و دشمنان واقعی پیدا می کنی.

با این همه موفق شو

اگر صادق و بی پرده باشی ممکن است مردم بتو کلک بزنند.

با این همه صادق و بی پرده باش

آنچه را که سالها با زحمت ساخته ای ممکن است یک شبه ویرانش کنند.

با این همه تو بساز

اگر آرامش و شادی را پیدا کردی بتو حسادت خواهند ورزید.

با این همه شاد باش

مردم اغلب کارهای خوبی را که امروز می کنی فردا فراموش می کنند.

با این همه تو خوبی کن

بهترینها را به دنیا می دهی و ممکن است هرگز کافی نباشد.

با این همه بهترینها را به دنیا بده

در نهایت آنچه هست ، بین تو و خدای توست ، نه بین تو و مردم

اخبار و تقویم کلیسای

- یکشنبه ۱۴ شهریور ۹۵ = ۴ سپتامبر ۲۰۱۶، یکشنبه سوم ایلیا

عهد عتیق: اشعیاء نبی فصل ۳۲ آیه ۱ الی آخر باب

رساله: فیلیپیان فصل ۱ آیه ۱۲-۲۵

انجیل: متی فصل ۱۳ آیه ۲۴-۴۳

- یکشنبه ۲۱ شهریور ۹۵ = ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۶، یکشنبه پنجم ایلیا

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۲۵ آیه ۱-۸

رساله: فیلیپیان فصل ۳ آیه ۱-۱۴

انجیل: متی فصل ۱۷ آیه ۱۴ الی آخر باب

- چهارشنبه ۲۴ شهریور ۹۵ = ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۶، عید صلیب مقدس مراسم این عید روز جمعه ۲۶ شهریور مصادف با ۱۶

سپتامبر ساعت ۱۰ صبح در کلیسای حضرت یوسف برگزار می گردد.

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۵۳ آیه ۱-۱۲

رساله: اول قرنتیان فصل ۱ آیه ۱۸ الی آخر باب

انجیل: لوقا فصل ۲۴ آیه ۱۳-۳۵

- یکشنبه ۲۸ شهریور ۹۵ = ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۶، یکشنبه اول صلیب.

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۳۳ آیه ۱۳-۲۴

رساله: فیلیپیان فصل ۱ آیه ۲۷ الی فصل ۲ آیه ۱۱

انجیل: متی فصل ۴ آیه ۱۲ الی فصل ۵ آیه ۱۶

- یکشنبه ۴ مهر ۹۵ = ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۶، یکشنبه سوم صلیب.

عهد عتیق: اشعیاء فصل ۲۶ آیه ۱-۱۹

رساله: فیلیپیان فصل ۴ آیه ۴-۲۳

انجیل: متی فصل ۱۵ آیه ۲۱-۳۸